خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۳ اسفند ۱۳۹۵
۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۱۰

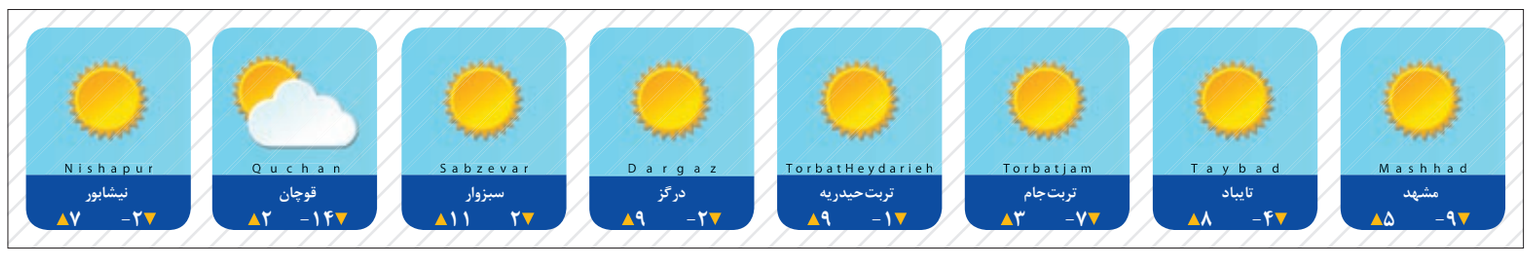

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم (ص)

اما شاخه‌های حیا عبارت است از: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری از بدی، خوشرویی، گذشت، بخشندگی، پیروزی و خوشنامی در میان مردم، این‌ها فوایدی است که خردمند از حیا می‌برد. خوشا به حال کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسوایی خودش بترسد.

تحف‌العقول ص ۱۷

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
الهی! اگر امانت را نه امینم
آن روز که امانت می‌نهادی می‌دانستی که چنینم.
الهی!
همچو بید می لرزم که مبادا به هیچ نیرزم.
فریاد از معرفت رسمی و عبارت عاریتی
و عبادت عادتی و حکمت تجربتی و حقیقت حکایتی

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تصویری کاملا برفی از آبشارهای اخلمد

ساعد سهیلی در پستی اینستاگرامی به مناسبت تولدش، از دوستانی که طی ۵ سال گذشته در فضای مجازی پیدا کرده و او را همراهی و حمایت کرده‌اند تشکر کرد.

هدایت هاشمی که این روزها به کارگردانی و مدیریت رضا کیانیان، تئاتر «حرفه‌ای» را روی صحنه دارد؛ درباره حضورش در این تئاتر و اساسا همکاری با رضا کیانیان گفته است: «در سینما با وی بسیار کار کرده‌ام؛ اما کیانیان در پیشانی کسانی بوده که آنان را دنبال کرده‌ام. برایم دنبال کردن رضا کیانیان مهم بوده تا تنه به تنه او قرار گرفتن.» هاشمی درباره بازی‌اش با کیانیان عنوان کرده است: ما از دو نسل متفاوت هستیم؛ اما من از نسل کیانیان متأثرم. این خودش می‌تواند عامل جذابیتی باشد تا مخاطب به تماشای نمایش بنشیند.

خراسان به روایت خراسان

۳ اسفند ۱۳۲۹

شاگرد شوفر سوخت

۶۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

مشهد؛ خبرنگار خراسان- پریروز، رضا نام، شاگرد راننده ماشین ۷۲۸ در جلوی کارخانه قند آبکوه مشهد، نزدیک آتش مشغول گرم کردن خود بوده که ظرف بنزینی که نزدیک وی بوده بر اثر تصادف به طرف او پرتاب می‌شود و بلافاصله مشتعل می‌گردد و با آن که چندین نفر فوراً برای خاموش کردن آتش جمع می‌شوند و خود را روی رضا می‌اندازند، مع الوصف مفید واقع نشده و قسمتی از سینه و دو دست و گردن نامبرده می‌سوزد. بلافاصله مشارالیه را در بهداری کارخانه پانسمان نموده، از آنجا به بیمارستان می‌فرستند. به قرار اطلاع خطر زیادی متوجه او شده و شاید نجات پیدا کند.

کارت تبریک «خراسان»؛ بهترین هدیه عید

مشهد؛ آگهی‌وارده- همشهریان عزیز بهترین هدیه عید برای دوستان، کارت تبریک است. بهترین کارت تبریک عید هم آن است که دارای مضامین خوب و چاپ اعلا باشد. بهترین کارت تبریک از حیث چاپ و کاغذ و مضامین دلپذیر در چاپخانه خراسان چاپ می‌شود. کارت‌های تبریک چاپخانه خراسان امسال دارای گل‌های برجسته و مقوای بسیار اعلا می‌باشد. کارت‌های ویزیت بسیار اعلا هم موجود است. تا وقت و فرصت باقی است، احتیاجات خودتان را تهیه فرمایید.

حریق در منزل آگاه

مشهد؛ خبرنگار خراسان- دیروز مقارن ظهر، حریقی در منزل آقای آگاه در بخش یک رخ داده است. علت حریق این بوده که کلفت نابینایی در منزل بوده و به واسطه ضعف باصره، موقع گذاشتن منقل زیر کرسی، آتش به لحاف سرایت می‌کند و مشارالیها متوجه نمی‌شود و تدریجاً آتش ادامه پیدا می‌کند و موقعی متوجه می‌شود که دیگر قادر به خاموش کردن آتش نبوده، بلافاصله خبر به خارج می‌رسد. پاسبان شماره ۱۰۲، داخل منزل شده و به کمک دیگران، حریق را خاموش می‌کند. خسارت وارده جزئی است و آقای آگاه کتباً به کلانتری بخش یک، از پاسبان مذکور قدردانی نموده است.

سپاسگزاری از یک پزشک

مشهد؛ آگهی‌وارده- از توجهی که جناب آقای دکتر گنجی در معالجه دو طفل خردسال اینجانب که با خطر مرگ مواجه [بودند] و از بهبودی آن‌ها قطع امید نموده بودم، مبذول فرموده و در اعاده سلامتی آن‌ها مهارت قابل تقدیری به خرج داده‌اند، بدینوسیله مراتب سپاسگزاری و قدردانی خود را به حضورشان تقدیم داشته و توفیق ایشان را در خدمت نوع‌پرورانه پزشکی از خداوند متعال مسئلت دارم. سهرابی

احداث خیابان و ایجاد فلکه

تربت جام؛ خبرنگار خراسان- شهرداری تربت جام در نظر دارد خیابان جدیدی احداث نماید و اطراف مقبره شیخ احمد جامی را به صورت فلکه درآورد.

پایی که دو سانتی متر کوتاه شد

مشهد؛ خبرنگار خراسان- طبق اطلاع، یکی از وعاظ شهیر شهر که چندی قبل بر اثر شکستن پای ایشان، مدتی در منزل بستری بود، به دلیل عدم بهبودی، دیروز مورد معاینه دکتر قرار گرفت و پزشک تشخیص داد که پای ایشان خوب جا نیفتاده و دو سانتی متر کوتاه شده است پس وی باید در بیمارستان بستری شود. لذا وی دیروز با آمبولانس به یکی از بیمارستان‌های شهر منتقل [شد] و تحت معالجه قرار گرفت.

نمای تاریخی

تصویری قدیمی از بافت پیرامونی حرم رضوی

تصویر ناب دیگری از مشهد قدیم

خواندنی ها

محمد کاظم کاظمی، دبیر علمی افغان جشنواره شعر فجر از ریشه‌های مشترک دو ملت می‌گوید:

شناسنامه ایرانی ندارم اما دلبسته فرهنگ ایرانم

جشنواره شعر فجر، نیمه دوم اسفندماه در مشهد برگزار می‌شود. اما این جشنواره امسال شرایطی متفاوت با سال‌های قبل دارد. برای نخستین بار بخشی با عنوان «شعر افغانستان» به آن اضافه شده و مهم‌تر از همه شاعر، نویسنده و پژوهشگری باتبار افغانستانی دبیری علمی‌اش را بر عهده گرفته است. محمد کاظم کاظمی، عضو گروه علمی برون‌مرزی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مسئول این بخش است. «ایران آنلاین» به همین بهانه با او گفت‌وگویی داشته که چکیده‌ای از آن را در ادامه این مطلب می‌خوانید: کاظمی در ابتدای این گفت‌وگو، از ریشه‌هایش می‌گوید: متولد سال ۱۳۴۶ در شهر هرات افغانستان هستم، تا سال ۱۳۶۳ مدتی هم در کابل زندگی کردم و بعد از آن، به همراه خانواده به ایران آمدم. از همان ابتدای ورودم به ایران ساکن شهر مشهد شدم و هنوز هم در این شهر زندگی می‌کنم. هفده سال بیشتر نداشتم که به ایران آمدیم و هنوز به شکل جدی وارد عرصه شعر نشده بودم. او بستر توجهش به ادبیات را داشتن پدر بزرگی شاعر و پدری علاقه‌مند به ادبیات و مطالعه عنوان می‌کند. وی که علاقه زیادی به فرهنگ ایران دارد، شرایط اقامتش در کشورمان را این طور تشریح می‌کند: من هنوز شناسنامه ایرانی ندارم؛ ایران بر اساس مقرراتی که دارد ما را تنها به عنوان یک مهاجر به اصطلاح موفق پذیرفت. از سوی دیگر، واقعیت این است که ما هم چندان پیگیر راهی برای به دست آوردن تابعیت ایرانی نبودیم چرا که به واسطه شرایط ناامن کشورمان و ادار به مهاجرت شده و امیدوار بودیم که روزی به وطن خود باز گردیم. اما در عمل، وقتی مهاجرت و ماندگار شدنمان بیش از سه دهه طول کشید و نسل جوانمان در اینجا به میانسالی و پیری رسید شرایط عوض شد. بسیاری از فرزندان ما در ایران متولد و تربیت شدند و طبیعی بود که بر خلاف والدینشان، هیچ خاطره‌ای از افغانستان نداشته باشند و اینجا را وطن خود بدانند. از همین رو انتظارمان از دولت ایران، این است که حداقل شرایطی فراهم کنند تا جوانان مهاجری که در ایران متولد شده‌اند بتوانند شناسنامه ایرانی و تابعیت این کشور را بگیرند. او اذعان می‌کند که مهاجرت به ایران در فعالیت‌های ادبی‌اش موثر بوده است و توضیح می‌دهد: شاید اگر به هر کشور دیگری به غیر از ایران سفر می‌کردم هیچگاه فرصتی برای دنبال کردن فعالیت‌های ادبی‌ام آن هم به شکل امروز پیدا نمی‌کردم. وی ریشه‌های شعر فارسی ایران و افغانستان را بسیار مشابه می‌داند و متذکر می‌شود: در سال‌های اخیر ارتباط ادبی میان دو کشور بیشتر شده و از نظر سبک در مسیری بسیار نزدیک به هم حرکت می‌کنند. او در نظر گرفتن بخشی برای شعر افغانستان در جشنواره شعر فجر امسال را یک اتفاق مثبت عنوان می‌کند و می‌گوید: در نظر گرفتن بخشی ویژه شعر افغانستان موجب ایجاد نگاهی مثبت در دیده مردم کشورم شده است. حتی نگاه به مهاجران هم در ایران در حال تغییر است و در رسانه‌های ایرانی هم اتفاقاتی رخ داده که موجب توجه به ادبیات کشورم شده است.

کری‌خوانی سرخابی‌ها در «خندوانه»

رضا عنایتی: قلباً استقلالی هستم

رامبد جوان در اولین شب اسفند ماه، میزبان رضا عنایتی فوتبالیست خراسانی بود. در ابتدای برنامه، عنایتی درباره این روزهای خود گفت: هم اکنون، در خدمت تیم صبای قم هستم؛ متاسفانه در جدول شرایط خوبی نداریم. البته دو هفته است که نتایج خوبی می‌گیریم. من امیدوارم لیگ امسال برای ما به خوبی تمام شود تا من هم به خوشی از فوتبال خداحافظی کنم. این طور مردم هم راحت می‌شوند؛ چرا که آن‌ها خیلی شاکی هستند. وی ادامه داد: این روزها کلاس‌های مربیگری می‌روم. به هر حال در فوتبال حرفه‌ای نمی‌توانیم از مجموعه جدا شویم. این بازیکن در پاسخ به سوال جوان درباره علاقه‌وی به مربیگری تیمی خاص، گفت: اگر به انتخاب خودم باشد؛ «بارسلونا» (خنده)! به هر حال من تلاش خودم را می‌کنم تا تجربیات این سال‌ها را در اختیار جوانان بگذارم. امیدوارم در این زمینه موفق باشم. بازیکن سابق تیم استقلال تهران، درباره تیم مورد علاقه‌اش اظهار کرد: بحث علاقه با کار متفاوت است؛ در تیم صبا با تمام توان بازی می‌کنم اما قلباً استقلالی هستم. وی درباره تعداد گل زده خود در لیگ برتر اظهار کرد: ۱۴۶ گل زدم؛ البته من چهار سال ایران نبودم. تمرین و تمرکز در گل زدن تاثیر دارد و من با تلاش و جدیت کار می‌کنم. پس از آن، رامبد جوان خاطره‌ای از بازی خود در تیم هنرمندان گفت و بیان کرد: من فوتبال بازی نمی‌کنم. حتی فوتبال هم نمی‌بینم. آدم بی‌استعدادی در این زمینه هستم. یک بار به اصرار دوستان در تیم هنرمندان با تیم ارومیه بازی کردم؛ بیست دقیقه پایانی به عنوان فوروارد دوار زمین شدم. اول این که توپ اصلا به پایم نخورد و از دیدن زمین فوتبال تعجب کردم. فقط یک بار طول زمین را دویدم؛ دیگر برنگشتم و همان جا ماندم و با دروازه‌بان صحبت کردم. مربی فریاد می‌زد بیا این طرف (خنده). به نظرم فوتبال چیز عجیبی است و شما نابغه هستید. عنایتی ادامه داد: در فوتبال و همه کارها باید تمرکز کنیم. البته باید بگویم من در بازی به همه چیز بد بین هستم؛ چون یک مهاجم در درجه اول باید از اشتباه حریف خود استفاده کند و یا در نقطه‌های کور که دفاع دقت ندارد، قرار بگیرد. وی درباره تیم مورد علاقه‌اش گفت: اوایل فصل به دلیل تغییرات، استقلال نتایج خوبی را کسب نکرد. البته در تیم استقلال و پرسپولیس بازیکن نمی‌تواند آزمون و خطا کند. تماشاگران و مطبوعات فرصت نمی‌دهند؛ چرا که باید بازیکن همیشه شرایط خوبی داشته باشد. امیدوارم همین روند در استقلال ادامه پیدا کند. در بخش دیگر این برنامه، جوان طی تماس تلفنی با مهرداد میناوند در برنامه صحبت کرد. با این تماس تلفنی کری‌خوانی بین این دو بازیکن به اوج خود رسید.

خاطرات یک نعش کش- قسمت بیست و سوم

میلاد خوشخو

ماجرای تازه‌ترین خدمات پیامکی اموات و بازماندگان

با راه‌اندازی سامانه جامع پیامکی سازمان از سوی معاونت ارتباطات و فناوری اختلالات، وارد عصر جدیدی در صنعت پذیرش میت شدیم. در همین راستا وقتی همه خواب بودند، از کل حساب‌های بانکی کشور مبلغ پنج هزار تومان کسر گشته و به حساب معاونت مذکور واریز گردید. همچنین پیامکی بدین شرح به سراسر خطوط تلفن همراه ارسال شد: «جنجالی‌ترین وصیت‌نامه‌های تاریخ چه می‌گفتند؟ اگر می‌خواهید بدانید، هر پیام پانصد تومان». البته با تدبیر معاون محترم قبل از هرگونه واکنش فضای مجازی به اتفاقات شب گذشته، کله سحر یک مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داده شد و در آن از عدم توجه نفوس جامعه به هزینه بالای پیامک‌های اطلاع رسانی روند کفن و دفن‌شان انتقاد گردیده و رقم پنج هزار تومان ناچیز دانسته شد. همچنین در ادامه نشست خبری، با تأکید بر این موضوع که وقتی کسی مرد ما دیگر دستمان به جایی بند نیست، از ارائه طرح جدیدی برای افزایش تعرفه به مبلغ ده هزار تومان جهت برداشت از حساب کلیه احیای قبل از اموات شدنشان خبر داد. پس از انتشار اخبار این فعل و انفعالات، تا لنگ ظهر که زمان شروع به کار فعالان عرصه مجازی مملکت است، همه چیز آرام بود و پس از آن، صدای اعتراضات عمومی یکی پس از دیگری شنیده شد و رفته رفته نشر گسترده هشتگ‌های «#ما-همه-پنج-هزار-تومانی-هستیم» و «#پنج-آری-ده-خیر» رو به از دیاد گذاشت. تا جایی که عبارت «من و پنج هزار تومانی محبوب، همین الان یهویی» مثل نقل و نبات زیر عکس جماعت سلبریتی تکرار می‌شد. در این بین دو نقل قول بسیار معروف نیز با حجمی باور نکردنی منتشر شد.

اولی: «برای مردمان سرزمین خویش پنج هزار تومانی آوردم تا از شر ده هزار تومانی در امان باشند.»

و دومی: «همه قشنگیای دنیا و عشق و زیبایی‌های قلبم مال پنج هزار تومنی خوشگل من بوده.»

بعد از جار و جنجال به پا شده در پی این کنش و واکنش‌ها، مسئولیت کشیدن نعش میت، کار بسیار سختی به نظر می‌رسید که کما فی السابق بر دوش حقیر و جناب مبارک که سنگینی می‌کرد. با هزار ترس و لرز، و زیر نگاه سنگین و چپکی خاندان آن عزیز سفر کرده، به هر شکل ممکن جنازه را برداشتیم و در آمبولانس برز خی بار زدیم. توی راه دست و دل‌مان می‌لرزید. از آنجایی که محال بود متوفی از چند و چون حوادث روز بی‌خبر باشد، از قبل با مبارک هماهنگ شد که تحت هیچ شرایطی از میت سوالی نپرسیم. زیرا اگر لب به سخن می‌گشود، قطعا چیزی نبود جز گله و شکایت و ناله و نفرین که به جای معاون اداره یقه ما را می‌گرفت و دودش به چشم ما می‌رفت. اما این بار علی‌رغم همه برنامه‌ریزی‌ها و نقشه‌ها، میت به خودی خود از جا بلند شد و در عین ناباوری شروع به انجام حرکات موزون با تکنیک‌های ناب نمود. چیزی غیر قابل باور... مبارک با تندی و انتقاد از عملکرد وی جریان را جویا شد و متوفی در پاسخ گفت: «شما ها فکر کردین خیلی زرنگین؟ من با همون نرخ پنج تومنی مُردم. ها ها ها... فرصت نکردین از من ده تومن بگیرین (قهقهه بلند)!» و سپس به ادامه حرکات قبیح المنظر خویش پرداخت که از شرح جزئیات آن معذورم. بالاخره به ضرب تشر مبارک میت ساکت شد.

خلاصه میت موزون کار را به قبرستان منتقل کردیم و در حضور ما به خاکش سپردند تا با کیفی کوک راهی دیار باقی گردد. طی مراسمی که با حضور بستگان، دوستان و سایر آشنایان آن مرحوم پس از دفن برگزار گردید، مواردی رخ داد که فوراً به عرض رئیس‌مان رساندیم. در حالی که ابتکار ایجاد سامانه پیامکی از سوی سازمان ما صورت گرفته بود، مسئولان اداره قبور با کپی کاری، حرکت مشابهی انجام داده‌اند. طبق روال معمول، سخنران مراسم تدفین باید از ابتدا به گرم کردن تنور سوز و آه مجلس می‌پرداخت. ولی چنین اتفاقی رخ داد:

سخنران: «گلچین روزگار عجب با سلیقه است / می چیند آن گلی که (...)؟»

۱) خوشگل است و باید حرکات موزون کند
۲) ناز او و غنچه گلباز او است
۳) به عالم نمونه است

عزیزانی که گزینه صحیح رو به شماره اداره قبور پیامک کنن، آخر هفته در قرعه کشی بزرگ یه دهنه قبر دو بَر شرکت داده میشن. (با صدای آهسته و به دور از میکروفون:) هزینه هر پیامک هزار تومن. (دوباره با صدای بلند:) قبل از آغاز مراسم دعوت می کنم از همکارم آقای (...) که لحظاتی پشت تریبون در خدمتشون باشیم.»

آقای (...) (با هیجان): «سلام، سلام، سلام... ارث و میراث داری یا بدهکاری و بازمانده‌ها باید جورت رو بکشن؟ من که طرفدار هر دو هستم! ارث‌دارهای گل گلاب عدد ۷ و بدهکارای دو آتیشه عدد ۵ رو به سامانه پیامکی ده بیست سه پونزده، ارسال کنین تا حمایت خودتون رو از بازماندگانتون اعلام کرده باشین. هر هفته سه قبر و آخر هر ماه یه مقبره خانوادگی قرعه کشی میشه! یادتون نره... ده بیست سه پونزده، سامانه خیلی رسمی!»

و سپس مجددا سخنران اول آمد و مجلس را گرم کرد تا این گونه مسئولان اداره کل امور قبور پا روی دم اداره کل امور نعش کش‌ها بگذارند.

یادداشت

مرتضی عزتی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

توسعه اشتغال در کشور نیازمند جذب و بهینه‌سازی سرمایه‌هاست

اشتغال و به تبع آن، رفع مشکل بیکاری در جامعه در حالی یکی از دغدغه‌های جدی دولت است که آمارها از افزایش پُرشتاب جمعیت جویای کار حکایت دارد.

گزارش‌های رسمی می‌گویند که طی یک دهه اخیر یعنی بازه زمانی ۸۴ تا ۹۴، حدود ۹/۴ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده و از این تعداد، نزدیک ۸ میلیون نفر نیز به جمعیت در سن کار (جمعیت ۱۰ سال و بیشتر) اضافه شده است.

در این میان ترکیب جمعیت بیکار دارای تحصیلات دانشگاهی نیز قابل تامل است که از ۲۰ درصد در سال ۸۴ به نزدیک ۴۰ درصد در سال ۹۳ رسیده است. اما وقتی نرخ بیکاری در جامعه، به سمت ارقام نگران کننده سوق پیدا می‌کند، احتمالا بخشی از اقتصاد کشور دچار ضعف در کارکردهای خود شده است.

راه حل اساسی و منطقی برطرف کردن مشکل بیکاری در کشوری همچون ایران، سامان بخشیدن به وضعیت ارکان مهم اقتصاد آن است. در گام اول ساماندهی، باید نگاه‌ها به مفاهیم اقتصادی و سیاستگذاری‌ها در نگاه کلان این بخش معطوف شود. متاسفانه بعضی به دنبال آن هستند که اقتصاد را با ابزارهای غیر علمی اقتصادی و گاهی حتی با سیاسی کاری اداره کنند. اما اقتصاد پویا و موفق، بر ساختارهای علمی متکی است و نمی‌توان ظرفیت‌های این بخش را متناسب با بعضی منافع تعبیر و تفسیر کرد و برای آن برنامه چید.

از این منظر، داشتن یک نگاه علمی و منطقی به دور از مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و گروهی، ما را به هدف نزدیک‌تر می‌کند.

دوم آن که اقتصاد ما با کمبود سرمایه مواجه است و موضوع فرار سرمایه نیز باید جدی گرفته شود. بسترهایی که تا به امروز برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم شده، محدود بوده و پایدار نبوده‌اند و در این حوزه آنچنان که باید تلاش نشده است. در حقیقت بسترهایمان را آن گونه که شایسته باشد، آماده نکرده‌ایم. حالا در چنین شرایطی، دولت خود نیز با کمبود منابع روبه‌رو می‌شود و نتیجه آن خواهد بود که فشار بیشتری بر بخش خصوصی اقتصاد وارد می‌آید و این حوزه را نیز به تحلیل می‌برد.

ساز و کارهای غلط بانکی، تشدید مشکلات بخش تولید و صنعت، هدر رفت سرمایه‌ها و...، بخشی از دشواری‌هایی است که نتیجه آن‌ها تشدید بیکاری و تبدیل این مقوله به بحران خواهد بود. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که برای کنترل سیل بیکاری تا سال ۱۴۰۰، باید ۲۹ میلیون فرصت شغلی جدید در کشور ایجاد شود.

این همه، در حالی است که ایجاد هر شغل متضمن صرف هزینه‌هایی گزاف است و این یعنی باید سرمایه‌ها در بدنه اقتصادی کشور جاری شوند تا این مهم قابل تحقق شود.

اما مقوله مهم دیگر، بهینه کردن همین سرمایه‌هایی است که تا به امروز گذاشته شده، اما از آن‌ها بهره کافی برده نمی‌شود. بخشی از بدنه تولیدی و اقتصادی کشور ما امروز، با وجود صرف سرمایه‌های گزاف و سنگین با درصد اندکی از ظرفیت خود فعال هستند و این فعالیت تشریفاتی نیز در حقیقت تقلایی برای کاستن از آمارهای بیکاری است و گرنه آنچه به عنوان فعالیت اقتصادی انجام می‌گیرد، در مقایسه با هزینه‌های آن مصداق ضرر دهی است.

راهکار دیگر مفید برای اقتصاد ما در شرایط کنونی، خصوصی سازی و قطع دست‌های پنهانی است که از ورود مردم به بدنه اقتصاد ممانعت به عمل می‌آورند. در این بخش، دولت باید از سهم خود در اقتصاد پا پس بکشد و حوزه‌های بیشتری را به بخش خصوصی بسپارد.

جذب سرمایه برای توسعه فناوری‌ها و زیرساخت‌های نوآورانه اقتصاد و تولید نیز ما را به عرصه رقابت‌پذیری جهانی وارد می‌سازد. کارشناسان برجسته اقتصادی امروز تاکید دارند که آینده توسعه جهانی و جایگاه هر کشور در جهان، به ایجاد ظرفیت‌های علمی و فناوری آن به ویژه در شئون اقتصادی وابسته است. فناوری دو بخش دارد و در برنامه‌های تحقیقاتی باید به این دو بخش توجه کرد. بخش اول شامل زیرساخت‌های فیزیکی و ماشین آلات در خدمت صنعت و تولید است که به واسطه آن‌ها، روش‌های تولید بهبود می‌یابد و امکان کاهش هزینه‌ها و یا تولید کالاهای جدید را فراهم می‌آورد. بخش دوم نیز نیروی انسانی توانمند و خلاق را در بر می‌گیرد. کشورها باید علاوه بر سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌ها، به بهبود جنبه‌های انسانی فناوری نیز توجه کنند. در کشورهای پیشرفته صنعتی بیش از ۴ درصد درآمد ملی، به فعالیت‌های تحقیقاتی اختصاص دارد، در حالی که در ایران سهم فعالیت‌های پژوهشی از درآمد ملی اندک است. از سویی، بخش خصوصی نیز به دلیل هزینه‌های بالا به ورود به این حوزه تمایلی ندارد.

خلاصه کلام این که ایران برای پیشرفت و قد کشیدن در میان قدرت‌های اقتصادی جهان، بهبود معیشت و اشتغال در جامعه و نهایتا دستیابی به یک توسعه پایدار، به ساماندهی بسترهای بنیادین اقتصاد خود، جذب سرمایه و بهینه‌سازی آن و در نهایت نوآوری و خلاقیت نیاز دارد. اما تا زمانی که رانت نفت در کنترل دولت است و مستقیم وارد بودجه کشور می‌شود و اقتصاد حمایتی و انحصاری داریم، تحقق این اهداف دور از انتظار است.